

گفت‌وگو با محمد حسین ناصر یخت درباره پرده خوانی و ریشه‌های این هنر آیینی ایرانی

یک جهان داستان و یک جهان شناخت

محسن یوالحسنی خبرنگار

پرده خوانی، نوعی نمایش مذهبی ایرانی است. در این نمایش کسی با عنوان «پرده‌خوان» از روی تصویرهای منقوش بر پرده، مصائب اولیای دین را با کلام آهنگین روایت می‌کند. بهرام بیضایی و پژوهشگران دیگر پرده‌خوانی را «شمایل گردانی» و «پرده‌داری» و «پرده‌برداری» هم نامیده‌اند و علامه دهخدا در لغت‌نامه خود در کنار کلمه «پرده» به پرده‌ای اشاره کرده که شعبده‌بازها و عروسک‌گردان‌ها، از آن برای پنهان کردن ترفندهای نمایشی خود استفاده می‌کنند و این هیچ ارتباطی با پرده‌داری (نام دیگر نمایش مذهبی پرده‌خوانی) ندارد و برخی به اشتباه از این تعریف برای توضیح پرده‌داری مذهبی بهره برده‌اند. آن‌طور که ثبت و ضبط و البته مستند شده پرده‌خوانی برآمده از نقالی و نقاشی‌های مردمی است و پیشینه تاریخی آن را می‌توان با نوعی «قوالی» (نقالی توأمان موسیقی و آواز) در دوران پیش از اسلام مربوط دانست و بهرام بیضایی معتقد است پس از ورود اسلام به ایران، به دلیل محدودیت‌های موسیقی، به نوعی «نقالی» ملی-مذهبی تغییر پیدا کرده و در زمان صفویه انواع نقالی مذهبی از جمله روضه‌خوانی، حمله‌خوانی، پرده‌داری، صورت‌خوانی و سخنوری شکل گرفت. به گفته مرحوم جابر عناصری در جنگ شاه اسماعیل صفوی با ازبک‌ها، برای تهییج سپاهیان ایران از این نمایش استفاده می‌کردند. بعضی هم موقعیت تاریخی پرده‌خوانی را حاکم فاضل عبور از برگزاری مراسم عزاداری عمومی ماه محرم در دوران صفویه، به برگزاری نمایش مذهبی تعزیه در دوران قاجاریه و یکی از منابع تحول و تکامل تعزیه می‌دانند اما برخی دیگر، به عکس، نقوش پرده را ترجمان نمایش تعزیه در قالب هنرهای دیداری و راه‌ورد تعزیه قلمداد می‌کنند. بهروز غریب‌پور کارگردان و پژوهشگر معاصر در تعریف پرده‌خوان می‌گوید: پرده‌خوان کسی است که معمولاً همراه با اشاره کردن به تصاویر پرده، با چوب منکی بر «کلام» است، محمد حسین ناصر یخت استاد دانشگاه و پژوهشگر تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» درباره پرده‌خوانی، نقالی و گذر از دل تاریخ می‌گوید.

■ داستان‌های ۷۲گانه‌ای که در روایت پرده نقل می‌شود چه ریشه‌ای دارند و از کجا و چه تاریخی وارد پرده‌خوانی شده‌اند...

عدد ۷۲ عددی نمادین و تمثیلی واز مضارب ۱۲ است اعدادی که در بسیاری ازمتون اساطیری استفاده شده‌اند ودر فرهنگ شیعی بویژه در روایت واقعه عاشورا که حکایت محوری در



پرده‌خوانی مذهبی است نیز به عدد یاران امام حسین(ع) اشاره دارد. بهره بردن پرده‌خوانان در معرفی حکایت خود نیز ریشه در همین گریز به واقعه مرکزی عاشورا دارد درحالی که بی‌شک تعداد حکایات مضبوط در حافظه یک پرده‌خوان می‌تواند بسیار بیش از این تعداد باشد. باید به این نکته توجه داشت که نقالی هنری است که ریشه در دوره اشکانیان دارد و آن زمان نقل موسیقایی قصه‌ها رواج داشته و در واقع ۴ گونه نقالی در کشور وجود داشته است که می‌توان آنها را به این ترتیب فصل بندی کرد: اول، نقل موسیقایی که امروزه هم عاشیق‌های آذری و همچنین میراث‌دارانی در بخشی‌های شمال خراسان، ترکمن‌ها و... بازمانده چنین شیوه‌ای هستند. دوم، نقل نمایشی است که از اواخر دوره تیموریان و اوایل دوره صفویه ایجاد شده و به‌عنوان مثال مرشد ولی‌الله ترابی که بیشتر نقل حماسی می‌خواند به‌گونه‌ای در این دسته جای می‌گیرد. سوم، نقل تصویری یا پرده‌خوانی که هنوز هم در شهرها و روستاها مرشدهایی وجود دارند که در این زمینه فعالیت می‌کنند. چهارم، نقل کتابخوانی که امروز به‌صورت شاهنامه‌خوانی، مثنوی‌خوانی و... در خانواده‌های سنتی و با فرهنگ چنین رویه‌ای همچنان حفظ شده است.

■ **خاستگاه برسپکتیوهای مقامی، رنگ‌بندی و نقش‌بندی در پرده‌خوانی را چطور می‌شود تحلیل کرد و اینها در چه مفاصلی با تعزیه تشابه و هم‌گرایی پیدا می‌کنند؟**

نکته‌ای که شاید بسیاری به آن بی‌توجهی نشان می‌دهند این مساله است که استفاده از پرسپکتیو مقامی ریشه در نگارگری ایرانی دارد که در آن اندازه‌نقش‌های گوناگون در یک اثر متناسب با اهمیت و جایگاه‌شان استفاده می‌شده و این نکته در نقاشی قهوه‌خانه‌ای و به تبعیت از آن پرده‌های درویشی که داستانی را روایت می‌کنند نیز موجه می‌شود تا شخصیت‌ها و موضوعات محوری بزرگ‌تر و سایر نقش‌ها کوچک‌تر طراحی شوند و در نتیجه پرسپکتیوی تداعی شود که بر مقام نقش تأکید دارد؛ چنانچه نقش‌های بزرگ‌تر، نزدیک‌تر به مخاطب به‌نظر می‌رسند و نقش‌های کوچک‌تر دورتر. از دیگر ویژگی‌های پرده‌های درویشی تداخل صحنه‌های داخلی و خارجی، تجسم ساختار حکایت در حکایت نقل و روایتگری شرقی در ترسیم پرده و استفاده از ساختار نقش در نقش برای ترسیم روایات گوناگون، خیالی‌سازی و پرهیز

پرده‌خوانی یکی از روش‌های

روایتگری و نقل ایرانی است که روایتگر در آن

حکایت خود را با استفاده از

نقش‌های پرده می‌گوید و به

این ترتیب سعی در ایجاد

تصویری ذهنی از موضوع

برای مخاطب دارد. در شکل

قدیمی‌تر اجرای پرده‌خوانی،

روایتگر به‌دلیل تأکید بیشتر

بر نقش‌های پرده کمتر

از بازی نقش‌ها استفاده

می‌کند ولی در دوره متأخر

به سبب تأثیر پذیرفتن از

شبیه‌خوانی که در متن و

موضوع از منابع مشترکی

بهره می‌بردند، این شیوه

نمایشی‌تر شد که این اتفاق

بویژه در پرده‌خوانان تهرانی

به‌طور مثال مرشد ابوالحسن

میرزا علی، پر رنگ‌تر است

■ **پرده‌خوانی از نظر محتوایی به چند دسته تقسیم می‌شود؟**

در حال حاضر آنچه از پرده‌خوانی و پرده‌های سنتی به جا مانده است بیشتر پرده‌خوانی حکایات مذهبی و اخلاقی است اما گفته می‌شود که در گذشته نقل حماسه‌های ملی اساطیری چون رستم و اسفندیار یا قصه‌های عاشقانه‌ای چون خسرو و شیرین نیز رواج داشته که بر همین اساس برخی از پرده‌خوانان معاصر و جوان این روایت‌ها را نیز می‌گویند و پرده‌هایی براساس این مضامین به نگارگران سفارش می‌دهند.

■ **به چه دلیلی پرده‌خوانی در پرده‌های مختلف حاوی داستان‌های متفاوت است؟**

تنوع نقش‌ها و موضوعات پرده به سفارش پرده‌خوان بستگی داشت اما برخی از موضوعات مانند لحظه شهادت حضرت علی اکبر(ع)، نبرد حضرت عباس(ع) با مار بن صدید و تجسم غرفه‌های بهشت و دوزخ که معمولاً بزرگ‌تر ترسیم می‌شدند در پرده‌های مذهبی ثابت هستند.

■ **عناصر تشکیل دهنده روایت در پرده‌خوانی به لحاظ موسیقایی، کلامی و نوشتاری چه ابزارهایی دارد؟**

روایت در پرده‌خوانی معمولاً با ذکر و مناجات

و سپس معرفی پرده آغاز شده و سپس با وارد

شدن به قصه اصلی گاه به‌طور مستقیم و گاه

با واسطه یک حکایت فرعی معاصر یا کهن ادامه

پیدا می‌کند و در پایان نیز معمولاً بایک حکایت

فرعی، ذکر مقدسین، نفرین اشیا و دعا برای

مخاطبان به پایان می‌رسد. البته اگر حکایت مرکزی مستقیماً مربوط به واقعه عاشورا نباشد

■ **چطور و از چه سالی با پرده‌خوانی آشنا شدید و از چه زمانی رسماً این کار را شروع کردید؟**

آیا و اجداد من تعزیه‌خوان بودند و پدر من به‌همراه پدر حاج تقی میرزا علی در تکیه دولت، جلوی ناصرالدین شاه «بچه‌خوانی» می‌کردند و من هم از ۴سالگی در تعزیه بودم تا ۱۶سالگی که تعزیه در دوران شاه ممنوع شد و جوان بودیم و چون می‌خواستیم به عشق‌مان برسیم به معرکه و پرده‌خوانی گرایش پیدا کردیم و از آنجا داستان‌هایی از تعزیه بلند بودم و پای بساط معرکه‌گیرها هم چیزهایی یاد گرفتیم و در نهایت همه اینها را با هم جمع کردیم و شروع کردیم به پرده‌خوانی.

پرده‌خوان کسی است که یک‌نفره ممکن است نقش چندین نفر را در یک داستان بازی کند و ابزارش محدود به یک چوب‌دستی و دستمال و پرده‌ای با باقی نبوغ خودش. در دوره



گذشته کسی سواد نداشت و وسایل ارتباط جمعی هم یا وجود نداشت یا در دسترس همه نبود به همین دلیل برای مردم جذاب بود که کسی می‌آید و با باز کردن پرده‌ای از دل آن تصویر و پرده قصه‌هایی برای آنها تعریف و داستان شخصیت‌های خیر و شر را برای مخاطب بازگو می‌کند. در شمایل‌ها چهره‌های زشت و شیطانی متعلق به اشقیای بود و در همین پرده هزاران هزار، نکته خفته بود که از زبان پرده‌خوان روایت می‌شد و متأسفانه امروز تقریباً هیچ نشانی از آنها وجود ندارد و حتی پرده‌خوان به معنی اصیل و درستش هم بسیار کم داریم و تقریباً همه پرده‌خوان‌های کارلند و با اصل و نسب از دنیا رفته‌اند، بی‌آنکه قدرشناسی و توجهی دیده باشند.

■ **چرا پرده‌خوانی آنقدر مورد توجه مردم بوده و تا پرده‌خوان بساط‌پهن می‌کرد مردم دورش حلقه می‌زدند؟**

پرده‌خوانی پیش از وقایع کربلا وجود داشته اما پس از آن بیشتر به سمت روایت‌های مصائب کربلا گرایش پیدا کرد و مردم و پرده‌خوان‌ها بیشتر دوست داشتند این داستان را روایت کنند. همچنین ما پرده‌خوانی سوگ سیاوش یا نبرد رستم و اسفندیار و داستان‌های دیگر راه می‌پیمودند و پرده‌های خود را به دیوار می‌کوبیدند و شروع می‌کردند به پرده‌خواندن و تعریف آنچه از دل نقاشی‌ها بیرون می‌آوردند و در قالب داستان تعریف می‌کردند. البته این نکته را در نظر بگیریم که

محمد احدی پیشکسوت نقالی و پرده‌خوانی در گفت‌وگو با «ایران»:

فقط زینت المجالس هستیم

و پرده نمی‌کنند چون این تصویرها نشانه‌ها و سمبل‌هایی هستند که مطابق با حال مردم، داستان‌شان روایت می‌شود. این نکته را هم بگویم که تماشاخانه جای پرده نیست، بلکه جای پرده در بازارها و میدان‌هایی است که مردم آنجا رفت و آمد می‌کنند و می‌شود مردم را جذب کرد و برایشان پرده‌خوانی کرد. نمی‌شود پرده را ببریم توی تماشاخانه و بلیت بفروشیم و بگوییم داریم سنت پرده‌خوانی را احیا می‌کنیم. پرده‌خوان خودش باید انتخاب کند که کجا بساط پرده‌خوانی اش را پهن کند و میخ پرده‌اش را به دیوار بزند.

■ **تفاوت آنچه از پرده‌خوانی می‌شناسید با آنچه امروز هسته و برگشته انجام می‌شود چیست؟**

در گذشته و در پرده‌خوانی اصیل اختار دست خود پرده‌خوان بود یعنی همه کارها را خودش انجام می‌داد. خودش جمعیت را به روش‌های مختلف جمع می‌کرد و برحسب اینکه جمعیت جوان هستند یا پیر تصمیم می‌گرفت که چه داستانی را تعریف کند و چگونه. نگه‌داشتن جمعیت خودش تکنیک‌های بسیاری دارد که هر کسی به نوبه خود از آن استفاده می‌کند. مثلاً کسی با عجله دارد جایی می‌رود که یک‌دفعه بانگ پرده‌خوان را می‌شنود و با شنیدن یک شعر قشنگ و روایت زیبایی، راهش را کج می‌کند و می‌آید پای پرده و وقتی آمد پرده‌خوان باید او را حفظ کند. همه اینها با حساب و کتاب است ولی متأسفانه امروز گاهی از من دعوت می‌شود که اجرای برنامه داشته باشم و قبل از شروع برنامه هزار نفر می‌آیند و گوشزد



می‌کنند که مثلاً برنامه‌ات از ۲۰ دقیقه بیشتر نشود. چطور می‌شود این همه داستان را در ۲۰ دقیقه خلاصه کرد جز اینکه سر و ته همه‌شان را زد و یک چیز کوتاه تحویل داد آن‌هم برای مخاطبی که احتمالاً به میل و رغبت خود آنجا ننشسته و... متأسفانه امروز اگر جسته و گریخته از هنرمندان پرده‌خوان هم برای اجرا دعوت می‌کنند که نوعی زینت‌المجالس است و همان را هم آن‌طور که صاحبان مجلس می‌خواهند باید اجرا کنیم و نتیجه‌اش می‌شود یک شیر می‌بال و دم.

■ **جایی در صحبت‌های خود اشاره کردید که امروز پرده‌خوان وجود ندارد یا اگر هست من نمی‌شناسم... چرا؟**

چون امروز خود پرده‌خوان‌ها از هم بی‌خبر هستند و نمی‌دانند دیگر پرده‌خوان‌ها چه چیزی در چنته دارند و چقدر سواد و استعداد پای کار ریخته‌اند. روزگار گذشته این‌طور نبود. اصولاً پرده‌خوان‌ها با هم سفر می‌رفتند و از کیفیت کار هم خبر داشتند اما امروز این‌طور نیست. پرده‌خوان از دیدگاه من کسی است که میخ پرده‌اش کنده نشود. یعنی چند وقت به‌طور مستمر اجرا داشته باشد و طی روزهای متوالی، مخاطب را دعوت بدهد تا جایی که مردم خودشان بیایند بنشینند و منتظر بمانند تا درویش بیاید و پرده‌اش را برقرار کند. چنین چیزی دیگر وجود ندارد و از این میراث فرهنگی دیگر چیزی باقی نمانده است. ما در رژیم سابق با ژاندارمری و... می‌جنگیدیم تا بتوانیم یک جا پاتوق برای خودمان درست کنیم و پرده را میخ بزنیم. نه بلندگویی داشتیم نه چیزی اما امروز برای اجراهایی این چنینی باید هزاران هزاران نفر و هزاران هزار مشکل را پشت سر بگذاریم. در زمان گذشته ما می‌دانستیم که رژیم با گفتار بزرگان و نقل‌هایی که درباره استادن در برابر ظلم بود، مخالف بود و نمی‌خواست مردم به این چیزها گوش بدهند و فرهنگ حماسه و مقابل ظلم ایستادن را یاد بگیرند. در همان دوره هم سختی‌های بسیاری کشیدیم ولی یک ریال رشوه به هیچ پاسبانی ندادم و سعی کردم با توان و استعداد خودم کار را پیش ببرم و امروز با آنکه مشکلاتی از این دست را نداریم و بسیاری برای هنرهای آیینی احترام قائل هستند اما به‌صورت عملیاتی و اجرایی توانسته چندانی نمی‌شود و همان‌طور که گفتم متأسفانه فقط زینت‌المجالس هستیم.